



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies
Vol 31. No 1. Spring 2024
Received date: 2023.08.18
Acceptance date: 2024.06.02



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net
DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.1.7.7

China's Policy towards Iran and Saudi Arabia: Continuity in Balance and Strategic Hedging

Marzieh Sadat Alvand¹



Abstract

Maintaining balanced relations with Iran and Saudi Arabia, two comprehensive strategic partners, holds increasing significance for China's developmental trajectory. This study delves into China's pragmatic approach of balancing and stable interactions with both Iran and Saudi Arabia through the lens of strategic hedging. The primary inquiry of this article is to discern the factors and drivers underpinning China's sustained commitment to its hedging strategy in cultivating equilibrium with these two states. The research findings underscore that the People's Republic of China has effectively safeguarded its strategic interests in its interactions with Iran and Saudi Arabia by employing a blend of cooperative diplomacy, strategic flexibility, an overarching policy of amicable engagement, and a deliberate avoidance of confrontations with the United States. Furthermore, China's mediation efforts in the Iran- Saudi Arabia diplomatic agreement in April 2023 serve as tangible evidence of Beijing's steadfast dedication to upholding its approach of equilibrium and strategic hedging vis-à-vis these two regional powerhouses. Methodologically, this research adopts a qualitative approach based on the descriptive-analytical method, with data being sourced from an array of library references.

Keywords: Strategic Hedging, Balanced Interaction, Cooperative Diplomacy, China, Iran, Saudi Arabia.

1 - Assistant Professor, University of Bojnord, Bojnord, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی (۱۱۵)، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۱.۷.۷

نوع مقاله: پژوهشی

سیاست چین در قبال ایران و عربستان: تداوم در موازنه و مصون‌سازی استراتژیک

مرضیه سادات الوند^۱



چکیده

روابط متوازن با ایران و عربستان، به‌عنوان دو شریک جامع استراتژیک، برای توسعه چین از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. در این پژوهش تلاش شده تا رویکرد عمل‌گرایانه چین در تعامل متوازن و پایدار با ایران و عربستان از منظر مصون‌سازی استراتژیک مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که عوامل و محرک‌های تداوم استراتژی مصون‌سازی چین نسبت به روابط متوازن با ایران و عربستان چه می‌باشد؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که جمهوری خلق چین از طریق دیپلماسی مشارکتی، انعطاف استراتژیک و سیاست دوستی با همه و اجتناب از چالش با آمریکا به تضمین منافع استراتژیک خود در روابط با ایران و عربستان پرداخته است. میانجیگری در توافقنامه دیپلماتیک ایران-عربستان در آوریل ۲۰۲۳ نیز شاهدی بر تمایل چین به تداوم رویکرد توازن‌بخش و مصون‌ساز نسبت به دو قدرت منطقه‌ای می‌باشد. روش‌شناسی این پژوهش عبارت است از اینکه روش تحقیق کیفی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. واژگان کلیدی: مصون‌سازی استراتژیک، تعامل متوازن، دیپلماسی مشارکتی، چین، ایران، عربستان.

مقدمه

چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خاورمیانه در سال‌های اخیر شاهد تغییرات قابل توجهی بوده است. این تغییرات عمدتاً ناشی از تغییر پویایی‌های قدرت، مناقشات منطقه‌ای و رقابت بر سر منابع می‌باشد. در حالی که توجه اصلی محققان در دهه گذشته، بر سیاست «نگاه به شرق» یا «چرخش به آسیا»^۱ اوپاما و تداوم آن در دولت‌های بعدی ایالات متحده آمریکا، متمرکز بوده است. رویدادهای دیپلماتیک در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس، نشان‌دهنده روابط استراتژیک رو به رشد جمهوری خلق چین با کشورهای منطقه می‌باشد.

از آغاز هزاره جدید، چین به منطقه خلیج فارس به‌عنوان یک فرصت فزاینده اقتصادی-تجاری نگریسته و اهمیت تعامل متوازن و پایدار با کشورهای این منطقه را در سیاست خارجی خود برجسته نموده است. در میان کشورهای منطقه، اهمیت دو رقیب منطقه‌ای با منابع عظیم انرژی، بیش از پیش در روندهای دیپلماتیک چین نمایان بوده است، به طوری که جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی اکنون به‌عنوان شرکای جامع استراتژیک چین محسوب می‌شوند.^۲ از آنجا که سیاست کلان چین در روابط با کشورها بر خلاف ایالات متحده، مبتنی بر اتحاد و ائتلاف نمی‌باشد، «مشارکت جامع استراتژیک»^۳ بالاترین سطح پیوند سیاسی چین با کشورهای هم‌پیمان است. در واقع رویکرد چین نسبت به منطقه، مستقیماً با رشد اقتصادی این کشور و در واقع ثبات داخلی آن مرتبط است. چین به جای تلاش برای نظم بخشیدن به منطقه پر آشوب خاورمیانه و درگیر شدن در رقابت‌های منطقه‌ای، در قالب نظم سیاسی-امنیتی موجود تلاش کرده از چتر امنیتی ایالات متحده در منطقه بهره برده و از فرصت‌های موجود در ایجاد روابط متوازن از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری، حداکثر استفاده را بنماید.

عمل‌گرایی چین در موازنه‌سازی در روابط با ایران و عربستان را می‌توان در تعاملات دو دهه گذشته رصد نمود. همان‌طور که امضای «توافقنامه ۲۵ ساله چین-ایران» در سال ۲۰۲۱ (پس از گذشت پنج سال از امضای مشارکت جامع استراتژیک با ایران)، را نمی‌توان به‌عنوان رویکرد تجدید نظر طلبانه چین نسبت به منطقه و سنگینی وزنه روابط چین به نفع ایران دانست (Fulton, 2021)، گسترش فزاینده روابط اقتصادی و تجاری با عربستان (به‌ویژه در شرایط انزوای بین‌المللی ایران در اثر خروج آمریکا از

1 - Pivot to Asia

۲ - امارات متحده عربی نیز سومین شریک جامع استراتژیک چین در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

3 - Comprehensive Strategic Partnership

برجام و افزایش تحریم‌ها) نیز بر تغییر رویکرد چین دلالت ندارد. به نظر می‌رسد توافقنامه ۲۰۲۳ ایران-عربستان و از سرگیری روابط دیپلماتیک دو کشور با میانجیگری چین نیز مبتنی بر تداوم رویکرد چین نسبت به شرکایش در خلیج فارس باشد.

در این نوشتار بر آن هستیم تا عوامل محرک تداوم رویکرد چین نسبت به تعامل متوازن با ایران و عربستان، به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای پر اهمیت برای چین را تحلیل و شناسایی نماییم. جمهوری خلق چین به واسطه استراتژی کلان خود که مبتنی بر صعود آرام و تدریجی است، همواره تلاش کرده تا ایالات متحده را در مناطق خارج از حیط خلوت خود از جمله خاورمیانه و خلیج فارس به چالش نکشد، و بر خلاف سایر قدرت‌های آسیایی چون هند، ژاپن و کره جنوبی، که تا حد زیادی تمایل دارند با ترجیحات آمریکا در خلیج فارس حرکت کنند، چین از ایالات متحده آمریکا دنباله‌روی^۱ نکرده و رویکرد مصون‌سازی/پرچین‌سازی استراتژیک^۲ را اتخاذ نموده است. هدف این تحقیق بررسی چگونگی تداوم استراتژی مصون‌سازی چین در تعامل با ایران و عربستان و ارائه تصویر عمیق‌تری از انگیزه‌ها، منافع و اقدامات چین در روابط متوازن با این دو شریک مهم منطقه‌ای است. پرسش اصلی آن است که چه عواملی به تعامل پایدار و تداوم رویکرد مصون‌سازی استراتژیک چین نسبت به روابط متوازن با ایران و عربستان کمک کرده است؟ به نظر می‌رسد مشارکت دیپلماتیک، تامین منافع اقتصادی، تضمین دسترسی به منابع انرژی، انعطاف استراتژیک و ارتقای ثبات در منطقه از یک سو و از سوی دیگر، اجتناب از چالش با آمریکا به منظور تضمین صعود تدریجی و آرام (به‌ویژه با هدف دستیابی به چشم‌انداز ترسیم شده ابتکار کمربند-جاده^۳) منجر به تداوم رویکرد مصون‌سازی استراتژیک چین نسبت به روابط متوازن با ایران و عربستان شده است. برای آزمون فرضیه این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای بهره می‌برد.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در دو دهه اخیر با رشد روزافزون اقتصاد چین و چشم‌انداز جهانی افزایش قدرت آن، روابط چین با دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان، مورد توجه محققان روابط بین‌الملل و چین پژوهان بوده است. مصون‌سازی/پرچین‌سازی استراتژیک نیز رویکردی نسبتاً نو در روابط بین‌الملل است و از این رو

1 - Band wagoning

2 - Strategic Hedging

3 - The Belt-Road Initiative

توجه برخی محققان را به‌ویژه در حوزه نظم جهانی و رقابت چین و آمریکا برانگیخته است. با توجه به تعدد منابع در این بخش تلاش شده با بررسی متغیرهای اصلی پژوهش، ادبیات دو حوزه موضوعی تجربی و نظری/مفهومی مورد بررسی قرار گیرد: الف) روابط متوازن چین با ایران و عربستان ب) رویکرد مصون‌سازی استراتژیک و کاربرد آن در سیاست خارجی چین. با توجه به مفصل بودن پیشینه پژوهش، بررسی تحلیلی این ادبیات در جدول ذیل جمع‌بندی شده است.

الف) روابط متوازن چین با ایران و عربستان		ب) رویکرد مصون‌سازی استراتژیک و کاربرد آن در سیاست خارجی چین	
نویسنده (سال)	نکات کلیدی	نویسنده (سال)	نکات کلیدی
قناص (۲۰۲۳)	تحلیل وابستگی متقابل اقتصادی رو به رشد چین با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با تمرکز بر طرح کمربند-جاده (BRI)؛ تاکید بر محدودیت‌های مشارکت چین در شورای همکاری خلیج فارس و بی‌میلی چین برای به چالش کشیدن سلطه آمریکا در منطقه (Qanas, 2023)	تسمن (۲۰۱۲)	معرفی رویکرد «مصون‌سازی استراتژیک» به‌عنوان استراتژی دولت‌های درجه دوم مانند چین؛ تحلیل مصون‌سازی استراتژیک به-عنوان جایگزینی برای موازنه‌سازی، دنباله‌روی و احاله مسئولیت (Tessman, 2012)
زویری و همکاران (۲۰۲۳)	بررسی رقابت دیرینه بین ایران و عربستان سعودی و فرصت‌های از دست رفته برای آشتی؛ تحلیل نقش امنیت انرژی و دیپلماسی در شکل‌دهی روابط آنها (Zweiri, Al Qawasmi & James, 2023)	سلمان و گیرتز (۲۰۱۵الف)	بررسی روند چند مرحله‌ای مصون‌سازی استراتژیک در نظام تک قطبی؛ مطالعه موردی چین جهت ارزیابی انتقال به مرحله دوم مصون‌سازی استراتژیک در سیستم تک قطبی به رهبری آمریکا (Salman & Geeraerts, 2015a)
سون (۲۰۲۳)	بررسی سیاست دشمن صفر چین در خلیج فارس، ارائه شاخص‌های کلیدی سیاست دشمن صفر و شناسایی تاکتیک‌های رفتاری مبتنی بر این سیاست چین در خلیج فارس (Sun, 2023)	سلمان و گیرتز (۲۰۱۵ب)	بررسی استراتژی امنیت انرژی چین در خاورمیانه به‌عنوان یک مطالعه موردی در چارچوب مصون‌سازی استراتژیک؛ شناسایی رابطه مثبت بین تولید نفت در خاورمیانه و رشد تجارت و سرمایه‌گذاری چین (Salman & Geeraerts, 2015b)

مقایسه سیاست چین و آمریکا در خاورمیانه و اثربخشی رفتار مصون‌سازی استراتژیک چین در مقایسه با استراتژی‌های «قدرت سخت» ایالات متحده (Salman, et al, 2015)	سلمان و همکاران (۲۰۱۵)	بررسی رویکرد چین به خاورمیانه با تمرکز بر محور ایران-عربستان؛ توصیف تغییرات ژئوپلیتیکی و تأثیر آن بر تعامل با چین؛ بررسی ماهیت ژئوپلیتیکی و فرقه‌ای رقابت بین ایران و عربستان سعودی؛ پیامدهای بالقوه نقش سیاسی چین و رویکرد متعادل آن در قبال ایران و عربستان سعودی (Malla, 2022)	واسم ملا (۲۰۲۲)
بررسی چالش‌های مدیریت روابط قدرت‌های بزرگ در سیستم تک قطبی پس از جنگ سرد و استفاده از مفهوم پوشش استراتژیک برای تحلیل سیاست خارجی چین در خاورمیانه، به‌ویژه در رابطه با عربستان سعودی؛ و بررسی محرک‌های رفتار پوشش استراتژیک چین و پیامدهای آن برای منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا در خاورمیانه (Chaziza, 2015)	چزیزا (۲۰۱۵)	بررسی رویکرد چین به خلیج فارس با تمرکز بر روابط با عربستان سعودی و ایران و تلاش عربستان سعودی برای منحرف کردن چین از ایران؛ اشاراتی به نگرانی مفسران سعودی در مورد توافق ایران و چین و ابهامات در روابط چین با سعودی (Houghton, 2022)	هوتون (۲۰۲۲)
بررسی رویکرد پوشش استراتژیک چین در منطقه خلیج فارس و سیاست عدم اتحاد؛ تمرکز بر رشد منافع اقتصادی و استراتژیک چین، از جمله ابتکار کمربند-جاده (BRI) و احتمال آتی اتخاذ موضع قاطع‌تر در منطقه (Fulton, 2018)	فولتون (۲۰۱۸)	بررسی رابطه عربستان سعودی و چین و رقابت پر تنش قدرت بین ایالات متحده و چین با استفاده از رئالیسم نئوکلاسیک؛ تحلیل تغییرات سیاست خارجی عربستان سعودی با واسطه عوامل سیستمی و در سطح واحد و تداوم ساختار دوگانه اتحاد امنیتی با ایالات متحده و مشارکت اقتصادی با چین (Duan & Aldamer, 2022)	دوآن و الدامر (۲۰۲۲)
واکاوی تحول در سیاست خلیج فارس و اتخاذ استراتژی‌های مصون‌سازی توسط اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به واسطه عدم قطعیت در سیاست ایالات متحده در	سمن (۲۰۱۸)	بررسی منافع عمیق چین در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و منافع بلند مدت چین در نامتقارن بودن روابط با ایران (Fulton, 2021)	فولتون (۲۰۲۱)

منطقه و تأثیر آن بر ترتیبات و اولویت‌های امنیتی بازیگران محلی (Samaan, 2018)			
بررسی دیپلماسی اقتصادی و پوشش استراتژیک چین در چارچوب طرح کمربند-جاده (BRI) در خلیج فارس؛ تاکید بر اهمیت مدیریت موفق روابط با قدرت‌های منطقه‌ای، ایران و عربستان سعودی و در عین حال پرهیز از بیگانه‌سازی طرفین (Garlick, & Havlova, 2020)	گارلیک و هاولووا (۲۰۲۰)	بررسی دیپلماسی انرژی و روابط تجاری دو جانبه چین با ایران و عربستان سعودی و در نظر گرفتن عواملی چون آشفتگی سیاسی، ذخایر نفت و گاز شیل، رقابت ناشی از صادرات نفت آمریکای شمالی و تلاش‌های جهانی برای کاهش اتکاء به سوخت‌های فسیلی به‌عنوان عوامل بالقوه موثر بر آینده این روابط (Dorraj, 2020)	دورج (۲۰۲۰)
تحلیل گذار چین به یک بازیگر اقتصادی غالب در منطقه خلیج فارس و تلاش چین برای حفظ وضعیت سطح دوم برای بهره‌گیری از پویایی منطقه بدون برهم زدن تعادل یا به چالش کشیدن نقش مسلط ایالات متحده (Fulton, 2020)	فولتون (۲۰۲۰)	تاکید بر افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در خاورمیانه، ضرورت نظارت اروپا بر آن و پیشنهاد افزایش تعامل اروپا با چین در خاورمیانه (Lons et al, 2019)	لونز و همکاران (۲۰۱۹)
پیشنهاد نوع‌شناسی جدید از مصون‌سازی استراتژیک به نام «پوشش استراتژیک قوی به ضعیف» و شناسایی ویژگی‌های آن در واکنش چین به رقابت خصمانه عربستان سعودی و ایران (Yin, 2022)	یین (۲۰۲۲)	بررسی استفاده استراتژیک عربستان سعودی از روابط خود با چین برای متعادل کردن و محدود کردن نفوذ ایران و بررسی رابطه مثلی بین چین، عربستان سعودی و ایران و تاکید بر پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی مشارکت چین و عربستان (MacGillivray, 2019)	مک گیلوری (۲۰۱۹)

بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که پیشینه تحقیقاتی مربوط به رویکرد مصون‌سازی استراتژیک (بخش ب) می‌تواند بینش‌های تئوریک را برای تحلیل و آزمون فرضیه به دست دهند و پیشینه تجربی (بخش الف)، داده‌های لازم را برای پاسخ به پرسش اصلی فراهم می‌سازد. در نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که این پژوهش از آن جهت که با میانجیگری چین، رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی از حالت خصمانه (که در تمامی منابع بررسی شده، مفروض گرفته شده است)، به تعبیر نگارنده به

حالتی «نه خصمانه نه رفاقتی» تبدیل شده است؛ با تمرکز بر تحلیل تداوم موازنه‌سازی و مصون‌سازی چین در روابط با ایران و عربستان، با پژوهش‌های بررسی شده تفاوت اساسی دارد.

چارچوب نظری: رویکرد مصون‌سازی استراتژیک

اصطلاح «مصون‌سازی»^۱ در نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، جدید و نوکاربرد است. این مفهوم از اقتصاد و تجزیه و تحلیل مالی وارد نظریه‌های روابط بین‌الملل شده و در اصل به ایده سرمایه‌گذاری برای کاهش ریسک نوسانات در قیمت کالاها اشاره دارد. به عبارت دیگر، مصون‌سازی مشابه یک بیمه‌نامه برای پوشش هزینه‌های احتمالی مرتبط با ریسکی است که ممکن است در آینده با آن مواجه شد. یکی از رایج‌ترین راه‌های محافظت در برابر احتمال زیان، تنوع بخشیدن به یک سبد است. همچنین می‌تواند به معنای گرفتن موقعیت‌های متضاد در دو بازار متفاوت باشد (Samaan, 2018: 5-6). از پیشگامان توسعه مفهوم مصون‌سازی در روابط بین‌الملل می‌توان از گو (۲۰۰۵)، مدیروس (۲۰۰۵-۲۰۰۶)، تسمن و ولف (۲۰۱۱)، تسمن (۲۰۱۲)، سلمان و گیررتز (۲۰۱۵) نام برد. برای اولین بار این مفهوم توسط ایولین گو^۲ از ادبیات موازنه قدرت واقع‌گرایان استخراج گردید. گو، مصون‌سازی را به‌عنوان یک استراتژی میانی تعریف کرد، در شرایطی که دولت‌های کوچک تمایل به اتخاذ سایر استراتژی‌ها از جمله بی‌طرفی^۳، موازنه‌سازی^۴ و دنباله‌روی^۵ در مقابل ابرقدرت یا قدرت بزرگ ندارند، با هدف پیشینه‌سازی منافع، به حداقل رساندن خطرات و اجتناب از وابستگی به یک قطب قدرت، از مصون‌سازی استراتژیک بهره می‌برند. گو از این مفهوم برای تحلیل استراتژی‌های رفتاری دولت‌های ضعیف و کوچک در مقابل قدرت‌های هژمونیک مانند ایالات متحده استفاده کرد (Goh, 2005). ایوان مدیروس^۶ بر خلاف گو این مفهوم را برای تجزیه و تحلیل استراتژی قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و چین به کار گرفت که از یک سو بر ساز و کارهای تعامل و یکپارچگی و از سوی دیگر بر ایجاد موازنه به سبک واقع‌گرایانه در قالب همکاری‌های امنیتی خارجی تأکید کرد (Medeiros, 2005-2006). در واقع مدیروس از مصون‌سازی استراتژیک بیشتر به‌عنوان یک استراتژی دیپلماتیک بهره برد تا پاسخی به هر گونه توزیع خاص قدرت در ساختار نظام بین‌الملل.

-
- 1 - Hedging
 - 2 - Evelyn Goh
 - 3 - Neutrality
 - 4 - Balancing
 - 5 - Band wagoning
 - 6 - Evan Medeiros

در مقابل براک تسمن^۱ با دید ساختاری، مصون‌سازی استراتژیک را به‌عنوان راهی برای مفهوم‌سازی و تحلیل رفتار استراتژیک قدرت‌های درجه دوم در یک نظام تک قطبی غیر متمرکز و جایگزینی برای استراتژی‌های سستی مانند موازنه‌سازی، دنباله‌روی و احاله مسئولیت^۲ به کار گرفت (Tessman, 2012). تسمن بر آن است که رفتار مصون‌سازی استراتژیک برای دولت‌های درجه دوم در سیستم‌های تک قطبی غیر متمرکز مؤثر است زیرا از رویارویی مستقیم با رهبر سیستم در کوتاه مدت جلوگیری می‌کند، در حالی که همچنان توانایی دولت محافظت‌کننده برای جان به در بردن از رویارویی مستقیم نظامی در صورت وقوع در درازمدت را نیز افزایش می‌دهد (مصون‌سازی نوع الف). رفتار مصون‌سازی استراتژیک همچنین می‌تواند برای بیمه کردن دولت در برابر تهدیدات امنیتی که ممکن است در نتیجه از دست دادن کالاهای عمومی یا یارانه‌هایی که در حال حاضر توسط رهبر سیستم ارائه می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد (مصون‌سازی نوع ب) (Tessman, 2012: 192-193). تسمن و ولف^۳ این رویکرد را برای تحلیل رفتار پوششی و متوازن‌کننده یک ابرقدرت بالقوه (از جمله چین) نسبت به یک ابرقدرت قوی‌تر (از جمله آمریکا) در شرایط عدم اطمینان در نظام تک قطبی بسط دادند (Tessman & Wolf, 2011). پیرو چارچوب نظری تسمن، برخی دیگر از محققان به توسعه نظریه مصون‌سازی با تحلیل سیاست خارجی چین در مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه کمک کردند (Salman & Geeraerts, 2015b; Salman et al, 2015; Chaziza, 2015; Samaan, 2018).

در تمام این تحقیقات تمرکز بر رفتار مصون‌سازی «ضعیف به قوی»^۴ است؛ به این معنا که با نفوذ قدرت هژمونیک، قدرت نسبتاً ضعیف‌تر یا به عبارتی قدرت درجه دوم از طریق ابزارهای پوششی غیر نظامی (به‌ویژه رفتارهای رقابتی اقتصادی، دیپلماتیک و نهادی) مقابله می‌کند تا توانایی عملیاتی قدرت برتر تضعیف شود. در سال‌های اخیر برخی از پژوهشگران بر رفتار مصون‌سازی «قوی به ضعیف»^۵ متمرکز شده‌اند به طوری که یک قدرت نسبتاً قوی در منازعات قدرت‌های منطقه‌ای، به منظور به حداکثر رساندن دستاوردهای خود دست به مصون‌سازی می‌زند (Korolev, 2016; Garlick & Havlova, 2020; Yin, 2022). گارلیک و هاولووا اصطلاح مصون‌سازی را به کاربرد اصلی آن یعنی امور مالی

1 - Brock Tessman

2 - Buck passing

3 - Wolfe

4 - “weak-to-strong” Hedging behavior

5 - “strong-to-weak” Hedging behavior

بازگرداندند و «رفتار مصون‌سازی قوی به ضعیف» را با توجه به تلاش چین برای کاهش ریسک خود از طریق تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری و منافع استراتژیک در روابط با ایران و عربستان تحلیل کردند اما معیارهایی را برای این نوع استراتژی مطرح نکردند. تی آنشی یین^۱ با الهام از آنها و البته تسمن، معیارهایی را برای این نوع رفتار مصون‌سازی طرح نمود. وی سه نوع معیار «بی‌طرفی دیپلماتیک»، «استراتژی اقتصادی متوازن» و «همکاری نظامی متوازن» را برای تحلیل مصون‌سازی چین در برابر منازعه منطقه‌ای ایران و عربستان در خاورمیانه و عدم درگیری در رقابت منطقه‌ای آنها ذکر می‌نماید (Yin, 2022: 296-297). در این نوشتار با پیروی از نگاه ساختاری تسمن به مصون‌سازی از یک سو و جدیدترین نوع رفتار مصون‌سازی استراتژیک (معرفی شده توسط یین) از سوی دیگر، تلاش می‌شود عوامل تداوم سیاست متوازن چین در قبال ایران و عربستان را تحلیل و بررسی نماییم. از دیدگاه نگارنده تحلیل رفتار منطقه‌ای چین در قبال رقابت ایران و عربستان نمی‌تواند بدون توجه به انگیزه‌های ساختاری کافی باشد. از این رو در آزمون فرضیه، ترکیبی از دو نگاه تئوریک مطروحه به کار گرفته خواهد شد.

پیشینه روابط چین با ایران و عربستان

سابقه روابط دیپلماتیک چین و عربستان به ژوئیه ۱۹۹۰ باز می‌گردد و این روابط در دهه‌های بعدی در سال ۲۰۰۸ به دوستی راهبردی و در سال ۲۰۱۶ به مشارکت جامع استراتژیک ارتقاء یافت. عربستان سعودی در سال ۱۹۴۹، جمهوری خلق چین^۲ را به رسمیت شناخت و همسو با ایالات متحده، روابط دیپلماتیک و تجاری با تایوان (جمهوری چین^۳) را ادامه داد. در سال ۱۹۷۱ که جمهوری خلق چین جایگزین تایوان در سازمان ملل شد نیز روابط دو کشور با توجه به مخالفت عربستان با قطعنامه مربوطه، همچنان متشنج ماند (Garlick & Havlova, 2020: 10). حمله شوروی به افغانستان و تعامل چین با آمریکا و متحدانش نقطه عطفی در روابط دو کشور بود و سبب شد یخ روابط بیجینگ^۴ و ریاض رفته رفته آب شود. مدرن‌سازی و صنعتی شدن چین و نیاز فزاینده آن به انرژی نهایتاً منجر به آغاز روابط

1 - Tianqi Yin

2 - People's Republic of China (PRC)

3 - Republic of China (ROC)

۴ - تلفظ صحیح از پایتخت چین است که از سال ۱۹۷۹ به جای واژه استعماری پکن (Peking) مورد استفاده دولت این کشور و جهان قرار گرفته است (شاهنده و طاهایی، ۱۳۸۳: ۱۵).

دیپلماتیک چین و عربستان شد. در طول دو دهه روابط دو کشور صرفاً بر اساس منافع تجاری پیشرفت داشته است. با توجه به اهمیت منافع مشترک در ایجاد همکاری نزدیک‌تر میان کشورها، آگاهی از اینکه منافع ایالات متحده در منطقه در حال تغییر اساسی است، به طور مستقیم ترس از رها شدن را برای عربستان افزایش داده است. به تعبیر فولتون «ترس از رها شدن یکی از ویژگی‌های هر رابطه نامتقارن است» (Fulton, 2021: 205; 2023: 16). بنابراین در دهه اخیر به واسطه این نگرانی، عربستان روابط مستحکم‌تری با جمهوری خلق چین برقرار کرده و از روابط صرفاً تجاری فاصله زیادی گرفته است، به طوری که امروزه عربستان بزرگ‌ترین شریک خاورمیانه‌ای چین محسوب می‌شود.

بر خلاف عربستان، ایران در سال ۱۹۴۹، چین کمونیست را به رسمیت شناخت. اما به دلیل انتقادهای شدید چین نسبت به سیاست‌های غربی محمدرضا شاه و حمایت از حزب توده، روابط دیپلماتیک برقرار نشد. در سال ۱۹۷۱ روابط چین و ایران به طور رسمی آغاز شد و بعد از انقلاب اسلامی نیز تداوم یافت. چین و ایران روابط سیاسی و اقتصادی را توسعه دادند و از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ نیز در توسعه برنامه هسته‌ای ایران با یکدیگر همکاری کردند (Garlick & Havlova, 2020: 12-13). چین نقش مهمی در مراحل اولیه توسعه برنامه هسته‌ای، آموزش دانشمندان ایرانی، ارائه فناوری هسته‌ای و ساخت تاسیسات تحقیقاتی مانند رآکتور تحقیقاتی در اصفهان ایفا کرده و نقش کلیدی در توسعه سیستم موشکی ایران (Dorraj, 2020: 129) و حوزه‌های زیرساختی از جمله ایجاد سدها و مسیرهای حمل و نقل چون متروی تهران داشته است. در حوزه انرژی، در دو دهه آغازین قرن ۲۱، چین و ایران قراردادهای انرژی به ارزش صدها میلیارد دلار امضا کردند، اگرچه چندین مورد از این قراردادها در نتیجه تردید چینی‌ها برای مشارکت در ایران به دلیل نوسانات مالی و سیاسی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بی‌ثمر پایان یافت (Houghton, 2022: 133)، با این وجود ایران از مهم‌ترین شرکای تجاری چین محسوب می‌شود.

چین، نظم منطقه‌ای و رقابت ایران و عربستان

ایران و عربستان، به‌عنوان دو رقیب سنتی منطقه‌ای همواره دارای روابط پر فراز و نشیبی بوده‌اند. در برهه‌ای روابط دو قدرت کاملاً خصمانه و در برهه‌ای صرفاً رقابتی بوده است. استراتژی هر دو کشور در قبال یکدیگر بر موازنه‌سازی درون‌گرا^۱ و برون‌گرا^۲ مبتنی است. برای هر دو، همکاری با قدرت‌های

1 - Internal Balancing

2 - External Balancing

بزرگ و تلاش برای ممانعت و سنگ‌اندازی در تعمیق روابط طرف مقابل با شریک استراتژیک خود، گزینه مناسب و کارآمد بوده است. پیرو این سیاست، همواره عربستان برای تعمیق روابط استراتژیک خود با ایالات متحده آمریکا کوشیده و نسبت به احتمال نزدیکی تهران و واشینگتن در مذاکرات برجام و پس‌ا برجام ابراز نگرانی کرده است. در مقابل ایران نیز در تلاش بوده روابط خود را با چین و روسیه، دو رقیب جهانی آمریکا، به سطح روابط استراتژیک برساند و مانع نزدیک‌تر شدن آنها به عربستان شود. در دهه اخیر، نگرانی عربستان از کاهش تعهدات آمریکا در منطقه به‌ویژه با توجه به سیاست چرخش به آسیا، انقلاب شیل و کاهش نیاز واشینگتن به انرژی سبب شده تا ریاض در پی روابط گسترده و عمیق‌تر با بیجینگ باشد. چین بر خلاف سیاست ایالات متحده برای ایستادن در یک طرف رقابت، به دنبال اطمینان از حفظ همزمان روابط سیاسی محکم با هر دو قدرت منطقه‌ای و تعامل پایدار می‌باشد. ماهیت تعامل چین با ایران و عربستان مبتنی بر رویکرد حفظ انعطاف استراتژیک^۱ و «سیاست دشمن صفر»^۲ (Sun, 2023) است. بیجینگ بر «سیاست خارجی چهار نه»^۳: عدم تعهد، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، خودداری از ایجاد نیروهای نیابتی^۴ و عدم تمایل به پر کردن خلاء قدرت تأکید بسیار دارد. سنگ بنای دخالت چین در امور امنیتی خلیج فارس به اصل حفظ روابط خوب با همه طرف‌ها و تلاش چند جانبه‌گرایانه در حل مناقشه خلیج فارس بستگی دارد (Sun, 2023: 33). سیاست دشمن صفر چین، الهام گرفته و متأثر از فلسفه دیپلماتیکی است که ریشه در تائوئیسم و کنفوسیانیسم دارد. مفروضات سیاست دشمن صفر عبارت هستند از اینکه نخست، بر استفاده از قدرت دیپلماتیک به جای نیروی نظامی، که بر اجبار استوار است، تأکید می‌کند. دوم، بر صبر استراتژیک^۵ به جای اقدام سطحی به‌عنوان راه‌حلی برای بحران تأکید می‌کند. سوم، برای جلوگیری از خطرات احتمالی، نگرش متعادل و خنثی نسبت به دولت‌های رقیب و متخاصم به جای حمایت مغرضانه از یک طرف دارد. چهارم، بر چند جانبه‌گرایی به جای اقدامات یک جانبه تأکید می‌کند (Sun, 2023: 32). همان‌طور که در بخش‌هایی خواهد آمد، اقدام چین برای میانجیگری در توافق‌نامه ۲۰۲۳ ایران-عربستان و از سرگیری روابط دیپلماتیک دو کشور در این راستا می‌باشد.

-
- 1 - Strategic Flexibility
 - 2 - Zero-Enemy Policy
 - 3 - Four-No foreign policy
 - 4 - Proxies
 - 5 - Strategic Patience

روابط چین با ایران و عربستان تا حد زیادی نه تنها تحت تأثیر روابط دو جانبه این دو کشور، بلکه تحت تأثیر نقش ایالات متحده در منطقه نیز می‌باشد. چین خواهان برهم زدن نظم آمریکایی خلیج فارس نمی‌باشد، نظمی که اندکی پس از عملیات طوفان صحرا در جنگ خلیج فارس شکل گرفت و پیرو آن ایالات متحده چتری امنیتی در منطقه ایجاد کرد تا از یک سو از متحدان منطقه‌ای خود محافظت کند و از سویی از برتری منطقه‌ای خود نه برای تغییر در خلیج فارس بلکه برای حفظ وضع موجود استفاده نماید. چتر امنیتی ایالات متحده، محیطی را ایجاد کرده که در آن چین توانسته است روابط متراکم‌تر و چند وجهی را با کشورهای منطقه بدون نیاز به ایفای نقش امنیت منطقه‌ای بزرگ‌تر دنبال کند. از دیدگاه آمریکا، چین در خلیج فارس از سواری رایگان^۱ برخوردار بوده و از تعهد نظامی آمریکا برای حفظ وضع موجود منطقه و تامین کالاهای عمومی مانند گشت‌زنی در آبراه‌های بین‌المللی، استفاده می‌کند (Fulton, 2018: 142). این ادعا توسط برخی تحلیلگران و رهبران چینی رد شده و بالعکس بر آن هستند که چین قربانی بی‌ثباتی منطقه‌ای در نتیجه اقدامات و حضور نظامی بی‌پروا ایالات متحده در منطقه شده و میانجیگری سیاسی و تعامل اقتصادی می‌تواند به کاهش تنش میان کشورهای منطقه کمک کند و قطعاً باید به‌عنوان کالای عمومی امنیتی نیز تلقی شود (Liangxiang, 2017: 41)، لذا از نظرگاه ایشان، چین نقش ذی‌نفع مسئول را در منطقه به خوبی ایفا کرده است. بنابراین پذیرش وضعیت سطح دوم در منطقه، انتخاب استراتژیکی است که چین انجام داده است (Fulton, 2020: 492). رهبران چین همواره در تعاملات خود مراقب بوده‌اند که ایالات متحده را به چالش نکشند و کشورهای منطقه را نیز از خود دور نکنند؛ این رویکرد چین با ادبیات مصون‌سازی استراتژیک مطابقت دارد.

همان‌طور که تسمن تاکید دارد مصون‌سازی استراتژیک، اتخاذ یک برنامه بلند مدت منسجم توسط قدرت درجه دوم با هدف توسعه قابلیت‌های اقتصادی و نظامی و در عین حال اجتناب از رویارویی مستقیم با رهبر سیستم در یک نظام تک قطبی غیر متمرکز است (Tessman, 2015). در حالی که آمریکا در نقش یک موازنه‌دهنده فعال^۲ در منطقه خلیج فارس ظاهر شده و از طریق اتحاد و ائتلاف دست به موازنه قدرت با رقبای می‌زند، چین تلاش کرده است توانمندی‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای خود را بدون به چالش کشیدن آمریکا گسترش دهد. چین با استفاده از مشارکت استراتژیک به جای اتحادهای رسمی، برنامه بلند مدت خود را پیش می‌برد. در واقع رویکرد کلان چین نسبت به نظم منطقه‌ای بر

1 - Freeriding

2 - Active Balancer

«صلح از طریق توسعه»^۱ مبتنی است، از این رو در تعاملات خود بر دیپلماسی مشارکتی تأکید بسزایی دارد.

دیپلماسی مشارکتی چین و تعامل پایدار با ایران و عربستان

همان‌طور که مطرح شد بر خلاف ایالات متحده، سیاست کلان چین در روابط با کشورها مبتنی بر اتحاد و ائتلاف نمی‌باشد. استراتژی عدم اتحاد، میراث نسل دوم رهبران چین است که در سال ۱۹۸۳ توسط دنگ شیائوپینگ مطرح شد و سایر رهبران چین به آن پایبند بوده‌اند (Ruonan & Feng, 2017: 153). چین بر «مشارکت دیپلماتیک»^۲ به جای اتحاد و ائتلاف تأکید دارد. «مشارکت» به‌عنوان «ابزار دیپلماتیکی تعریف می‌شود که امکان محافظت در برابر همه احتمالات را فراهم می‌کند و در عین حال امکان پیگیری مشترک منافع متقابل را فراهم می‌سازد» (Fulton, 2018: 144). مشارکت، به چین و کشور شریک اجازه می‌دهد تا روی حوزه‌های مورد علاقه متقابل تمرکز کنند و در عین حال از موضوعاتی که منافع آنها متفاوت است، اجتناب نمایند. آنها بر کشورهای ثالث یا تعهدات امنیتی تمرکز نمی‌کنند؛ به همین دلیل به جای تهدیدمحور، هدف‌محور هستند (Fulton, 2020: 500). رویکرد چین به مشارکت‌ها سلسله‌مراتبی است. چین پنج نوع شراکت را با توجه به اهمیت آن طبقه‌بندی کرده است: مشارکت جامع استراتژیک^۳؛ مشارکت استراتژیک^۴؛ مشارکت همکاری جامع^۵؛ مشارکت همکاری جویانه^۶ و مشارکت همکاری دوستانه^۷ (Fulton, 2019: 3). مشارکت‌های استراتژیک معمولاً در طول سفرهای دولتی توسط رئیس‌جمهور اعلام می‌شوند و یا به سطح بالاتر ارتقاء می‌یابند. ایران و عربستان به فاصله اندکی در سال ۲۰۱۶ در جریان سفر شی جین‌پینگ^۸، رئیس‌جمهور چین، به بالاترین سطح از مشارکت دست یافتند.

مشارکت راهبردی جامع چین و عربستان منجر به ایجاد «کمیته مشترک سطح بالا»^۹، به‌عنوان گروه راهبری این مشارکت شد. این کمیته به ریاست مشترک محمد بن سلمان^{۱۰}، ولیعهد عربستان و هان

-
- 1 - Peace through Development
 - 2 - Diplomatic Partnership
 - 3 - Comprehensive Strategic Partnership
 - 4 - Strategic Partnership
 - 5 - Comprehensive Cooperative Partnership
 - 6 - Cooperative Partnership
 - 7 - Friendly Cooperative Partnership
 - 8 - Xi Jinping
 - 9 - High-Level Joint Committee
 - 10 - Mohammed bin Salman

ژنگ^۱، معاون نخست‌وزیر، هر ساله تشکیل جلسه می‌دهند. دو کشور طی این جلسات، چندین تفاهم‌نامه و قراردادهای جدی سرمایه‌گذاری امضا کرده‌اند که بخش‌های خاصی از جمله زیرساخت‌ها و حوزه فناوری که عمدتاً مکمل طرح کمربند-جاده چین و چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی^۲ است، را هدف قرار داده و ساختار مشارکت را شکل داده است. در مقابل مشارکت راهبردی جامع چین و ایران که چندین ماه پس از برجام امضا شد به دلیل خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های گسترده، صرفاً در مرحله تدوین باقی مانده و به نظر می‌رسد که همچنان اجرایی نشده است. آنچه که در تابستان ۲۰۲۰ توسط رسانه‌های ایرانی در خصوص اجرایی شدن قرارداد مطرح شد، توسط رسانه‌ها و رهبران چین تأیید نگردید (Fulton, 2021: 213).

ویژگی شاخص دیپلماسی مشارکتی چین، عدم تحمیل پیش شرط سیاسی و حقوق بشری به شرکای خود می‌باشد. این ویژگی باعث شده تا شراکت با چین برای کشورهای منطقه از جمله ایران و عربستان از جذابیت بالایی برخوردار باشد. از سویی دیدارهای سیاسی سطح بالا یکی دیگر از ویژگی‌های مشارکت استراتژیک چین است. چنان‌که افزایش تعاملات سیاسی و بازدیدهای مکرر در سطوح بالا از هر دو طرف، منجر به تعمیق روابط اقتصادی شده است.

دیپلماسی اقتصادی و امنیت انرژی چین

دیپلماسی اقتصادی چین در فرهنگ استراتژیک «اول تجارت»^۳ این کشور گنجانده شده، یعنی قرار دادن توسعه اقتصادی در اولویت وظایف دولت. بنابراین در مواجهه با تنش‌های منطقه‌ای، چین موضعی عمل‌گرایانه اتخاذ کرده و به دنبال حداکثر منافع اقتصادی و حداقل ماجراجویی سیاسی می‌باشد (Sun, 2023: 40). چین از استراتژی تنوع‌بخشی برای تأمین منافع اقتصادی و امنیت انرژی بهره می‌برد، از این رو در درجه اول به دنبال تقویت روابط با ایران و عربستان، علاوه بر سایر کشورهای منطقه، به دلیل مزایای بی‌شماری است که هر رابطه ارائه می‌دهد (Houghton, 2022: 133)؛ به‌ویژه پس از رونمایی از ابتکار کمربند-جاده (BRI) توسط شی در سال ۲۰۱۳، اهمیت این دو کشور برای چین برجسته‌تر نیز شد.

1 - Han Zheng

2 - Saudi vision 2030

3 - "Business-first" Strategic Culture

چین در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین واردکننده خالص نفت جهان تبدیل شد و احتمالاً تا آینده قابل پیش‌بینی نیز به همین شکل باقی بماند و با وجود تلاش‌های چین برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود، تا سال ۲۰۳۴ از نظر مصرف نفت از ایالات متحده پیشی بگیرد (Fulton, 2018: 147). به این ترتیب ایران و عربستان نقش مهمی در استراتژی امنیت انرژی چین دارند. عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ با سهم ۱۷ درصدی به بزرگ‌ترین منبع واردات نفت چین تبدیل شد (EIA, 2022). این روند ادامه داشت و تا سال جاری، بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت خام جهانی چین گردید، تا اینکه با توجه به تحریم انرژی روسیه توسط غرب در جنگ اوکراین، اکنون روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت چین، جانشین عربستان سعودی شده است (Al Jazeera, 2023). البته به نظر می‌رسد این اقدام بیجینگ رویکردی تاکتیکی جهت دلجویی از مسکو و تامین رضایت شریک استراتژیک خود باشد، لذا با توجه به فزاینده‌ی تعاملات چین و سعودی، می‌توان انتظار داشت این جانشینی موقتی باشد و ریاض جایگاه خود را بازیابد. در مقابل در نتیجه تحریم‌های آمریکا، واردات نفت از ایران به کمتر از ۱ درصد واردات چین در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با ۸ درصد در سال ۲۰۱۶، بر اساس داده‌های رسمی واردات چین، کاهش یافته است. با این حال، در آوریل ۲۰۲۲، تحلیلگران تخمین زده‌اند که واردات از ایران بین ۵۷۵۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰۰ بشکه در روز بوده که تقریباً ۷ تا ۸ درصد واردات آن ماه را شامل می‌شود (EIA, 2022). پر واضح است که به رغم تلاش چین برای دور زدن تحریم‌ها، میزان واردات انرژی از ایران کاملاً بسته به افزایش/کاهش حساسیت آمریکا نسبت به آن، ماه به ماه متغیر است اما رویکرد چین در تداوم واردات انرژی از ایران، نشان‌دهنده اهمیت تهران برای بیجینگ به‌عنوان یک شریک مهم در غرب آسیا می‌باشد.

گرچه هسته اصلی تعاملات چین در حوزه انرژی است، با این حال چین اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری غیر نفتی عربستان سعودی نیز هست (Eslami & Papageorgiou, 2023). از سویی همان‌طور که در آخرین سفر شی به ریاض در دسامبر ۲۰۲۲ تاکید شد، توافقنامه تجارت آزاد^۱ (FTA) با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در فهرست دستور کار دیپلماتیک چین قرار دارد (China Briefing, 2022) و جایگاه عربستان و امارات، دو شریک جامع استراتژیک چین، در آن بی‌بدیل خواهد بود. به

1 - Free Trade Agreement (FTA)

گزارش وزارت امور خارجه ایران و بر اساس آمار گمرک چین، در بین کشورهای عربی حاشیه خلیج- فارس، بیشترین حجم مبادلات تجاری چین با عربستان سعودی است که از ۸۷.۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ با ۳۳.۱ درصد افزایش به ۱۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است. حجم مبادلات تجاری این کشور با جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۲ نیز بالغ بر ۱۵.۷۹ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۲۱ حدود ۷ درصد افزایش یافته است (معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ایران، ۱۴۰۱). بایستی در نظر داشت که تداوم افزایش تجارت چین با ایران کاملاً بستگی به روند مذاکرات پسا برجام و اجابت ایران در خصوص خواسته جدی چین مبنی بر تلاش برای رفع یا تقلیل حداکثری تحریم‌ها و مسائل مربوط به FATF^۱ دارد.

سرمایه‌گذاری در کنار تجارت یکی از ستون‌های مهم دیپلماسی اقتصادی چین است. بیجینگ سرمایه‌گذاری‌های خود را در خاورمیانه از طریق ابتکار کمربند جاده (BRI)، که به ابزار حیاتی سیاست خارجی چین تبدیل شده است، انجام می‌دهد. در سال ۲۰۱۷، عربستان سعودی و چین تفاهم‌نامه‌ای را برای ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ۲۰ میلیارد دلاری، برای تامین مالی پروژه‌های مربوط به BRI و چشم‌انداز ۲۰۳۰ امضا کردند (Fulton, 2018: 149). با اینکه عربستان در هیچ یک از کریدورهای اقتصادی BRI^۲ دیده نشده، اما این موضوع مانع مشارکت آن در این طرح نشده است. از ابتدای ارائه طرح، کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس مایل به سرمایه‌گذاری در کریدور اقتصادی چین-پاکستان، یکی از محورهای BRI بوده‌اند. به‌عنوان مثال، عربستان سعودی حدود ۱۶ میلیارد دلار وام و سرمایه‌گذاری در رابطه با این پروژه به پاکستان پیشنهاد داد. این پیشنهاد شامل سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در یک پالایشگاه نفت و مجتمع پتروشیمی در بندری در گوادر، شهری

1 - Financial Action Task Force (FATF)

۲ - معماری BRI به‌عنوان مجموعه‌ای از کریدورهای اقتصادی ایجاد شده که از چین شروع می‌شود و از چندین ایالت و منطقه عبور می‌کند. در ابتدا، شش مورد از این کریدورها اعلام شد: چین- مغولستان- روسیه، پل زمینی جدید اوراسیا؛ چین- آسیای مرکزی و غربی؛ چین- شبه جزیره هند و چین؛ چین- پاکستان؛ و چین- میانمار- بنگلادش- هند. گرچه هر دو کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) و کریدور اقتصادی چین-مرکز و غرب آسیا (CCWAE) به سمت خلیج فارس جهت‌گیری می‌کنند، اما شبه جزیره عربستان در هیچ یک از این کریدورها دیده نمی‌شود. CPEC به بندر گوادر، در ۶۰۰ کیلومتری دریایی از تنگه هرمز ختم می‌شود و جایگاه ایران در CCWAE برجسته است (Fulton, 2018: 150).

از پاکستان در ساحل دریای عرب، نیز شد (Lons et al, 2019: 28). در بیانیه پایانی سفر سه روزه شی به ریاض، به مناسبت اولین اجلاس سران چین و شورای همکاری خلیج فارس در دسامبر ۲۰۲۲، نیز بر «امضا موافقتنامه‌هایی برای هم‌افزایی چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان با BRI» تاکید شد و رسانه دولتی خبرگزاری عربستان سعودی (SPA) گزارش داد که چین و عربستان سعودی ۳۴ توافقنامه سرمایه‌گذاری را در چارچوب این سفر امضا کردند (China Briefing, 2022). برای نمونه شرکت کشتیرانی کوسکو چین^۱ به صورت مشترک با صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی^۲ برای توسعه و راه‌اندازی پایانه کانتینری در بندر اسلامی جدّه^۳ سرمایه‌گذاری کرده است (Eslami & Papageorgiou, 2023). بر اساس توافقنامه مشارکت جامع راهبردی ایران و چین، توسعه مشترک بندر چابهار و پایانه نفتی جدید در بندر جاسک در جنوب تنگه هرمز، نیز در دستور کار دو کشور قرار دارد که بایستی دید چه زمانی عملیاتی خواهد شد.

روابط عمیق تجاری به افزایش روابط نهادینه شده در امور مالی نیز کمک کرده است. دبی قطب مالی شرکت‌های چینی می‌باشد^۴ و بانک صنعتی و تجاری چین^۵ (IDCB) در ریاض شعبه دارد. بانک کونلون^۶ که توسط شرکت ملی نفت چین اداره می‌شود (Fulton, 2020: 496)، جهت ساماندهی روابط بانکی ایران-چین از سال ۲۰۰۹ تشکیل شد، اما در مواجهه با تحریم‌های آمریکا همکاری خود را متوقف نمود. علاوه بر این، با گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، استفاده از رنمینبی (RMB) نیز در ساز و کارهای مالی چین با ایران و عربستان افزایش قابل توجهی یافته است. برای نمونه عربستان سعودی از اوراق قرضه یوآن برای تامین مالی کسری بودجه ناشی از کاهش قیمت نفت و همچنین برای پرداخت قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های چینی در پروژه‌های مرتبط با چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان در نظر گرفته است. ایران از سال ۲۰۱۲ از رنمینبی برای پرداخت‌های نفتی استفاده می‌کند و در سال ۲۰۱۸ در پلتفرم گزارش رسمی نرخ ارز خود، دلار آمریکا را با رنمینبی جایگزین کرد (Fulton, 2021: 209).

1 - China Ocean Shipping Company (COSCO)

2 - Saudi Arabia's Public Investment Fund

3 - Jeddah Islamic Port

۴ - چین معماری مالی در پادشاهی‌های خلیج فارس ایجاد کرده، بانک‌های آن در همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان فعالیت می‌کنند. شعبه بانک کشاورزی چین در دبی به‌عنوان مرکز تسویه معاملات با یوآن چین تعیین شده است (Fulton, 2021: 209).

5 - Industrial & Commercial Bank of China (IDCB)

6 - Kunlun

497: 2020). در مجموع، تجارت، سرمایه‌گذاری و امور مالی نشان‌دهنده تعمیق روابط اقتصادی بین چین و دو قدرت منطقه‌ای خلیج فارس است و نشان‌دهنده مجموعه‌ای از روابط بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که روایت «نفت در برابر تجارت» (Fulton, 2018: 149) فرض می‌شود. این روابط در آینده نیز رو به افزایش خواهد بود زیرا تجارت و یکپارچگی مالی به‌عنوان اولویت‌های کلیدی BRI می‌باشد.

دیپلماسی امنیتی و نظامی

بر خلاف دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی نظامی چین در قبال ایران و عربستان کمتر توسعه یافته و دلیل آن را می‌توان در استراتژی عدم اتحاد چین که تصریح شد، جستجو کرد. همکاری امنیتی چین و عربستان بسیار تحت تاثیر حضور نظامی ایالات متحده و تمایل چین به چالش نکشیدن آن در راستای استراتژی مصون‌سازی می‌باشد. همکاری امنیتی با ایران، که بدون تردید تهران از آن استقبال می‌کند، نیز به این دلیل که روابط با عربستان و سایر کشورهای منطقه را تحت‌الشعاع قرار داده و در عین حال تنش‌ها را با واشینگتن افزایش می‌دهد، توسعه چندانی نیافته است. با این حال در بیانیه‌های مشترک مشارکت جامع استراتژیک، همکاری امنیتی به‌عنوان یک اولویت، اما بدون تعهدات صریح ذکر شده است. علاوه بر آن در بخش پنجم سند سیاست عربی^۱ چین که در ژانویه ۲۰۱۶ منتشر شد، نیز به همکاری در زمینه صلح و امنیت اشاره دارد و بر ایجاد مکانیسم امنیتی فراگیر و مشترک منطقه‌ای به منظور تحقق صلح بلند مدت و رفاه و توسعه در خاورمیانه تاکید می‌ورزد. همچنین در سند آمده که چین همکاری‌ها و مبادلات خود در زمینه اقدامات ضد تروریسم، نظامی و امنیتی غیر سنتی را تعمیق خواهد بخشید (The State Council of PRC, 2016)، اما چگونگی دستیابی به آن مبهم و فاقد جزئیات است.

سابقه فروش تسلیحات به عربستان به اواسط دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد که در جریان آن روابط دیپلماتیک دو کشور برقرار شد. در این زمان سعودی‌ها به دلیل خودداری آمریکا از فروش تسلیحات پیشرفته با اعمال فشار اسرائیل به چین نزدیک شدند و اقدام به خرید موشک‌های بالستیک نمودند. در سال ۲۰۱۴ نسخه ارتقاء یافته این موشک‌ها نیز به سعودی فروخته شد (Fulton, 2023: 20-21). در اغلب اوقات این معاملات به صورت مخفیانه شکل گرفته اما در دهه اخیر تعاملات نظامی چین با عربستان آشکارا

بوده است، حتی در سال ۲۰۱۹ پس از انتقاد غرب از انجام این معاملات، سخنگوی چین از آن دفاع کرد^۱ (Malla, 2022: 34). چین همچنین اقدام به تمرینات نظامی با عربستان سعودی و با ایران (با همراهی روسیه) نموده و به نظر می‌رسد تولید تسلیحات مشترک را نیز آغاز کرده است. این اقدام چین با توجه به بن‌بست در روابط واشینگتن با کشورهای عربی منطقه سبب شده برخی از پژوهشگران از آن به‌عنوان حرکت جدید چین به سوی نقش امنیتی جدی‌تر در منطقه (Fulton, 2023) و حضور نظامی نرم (Sun, 2016) نام ببرند. آنچه در گفتمان رسمی چین مطرح شده دلالت بر پیگیری «امنیت از طریق صلح و توسعه» دارد و به نظر نمی‌رسد چینی‌ها با توجه به روابط امنیتی محدود و رفتار متوازن با شرکای استراتژیک خود، در جستجوی توسعه دیپلماسی نظامی در آینده نزدیک باشند.

توافقنامه ۲۰۲۳ ایران-عربستان و تداوم موازنه‌سازی چین در چارچوب مصون‌سازی استراتژیک

توافقنامه ایران-عربستان در آوریل ۲۰۲۳ پس از چندین دهه خصومت و قطع رسمی روابط در سال ۲۰۱۶، با میانجیگری چین تحولی مهم در منطقه ایجاد کرده است. سفر شی به ریاض در دسامبر ۲۰۲۲ و سفر رئیسی به چین در فوریه ۲۰۲۳، راه را برای اعلام سه جانبه این توافق هموار کرد. این در حالی است که ایران و عربستان در دو سال گذشته در عمان و پنج دور در عراق گفتگو کرده بودند اما ترجیح دادند تا بیجینگ موفقیت دیپلماتیک و پرستیژ آن را دریافت نماید. این موضوع پیام مهمی برای بیجینگ و البته واشینگتن دارد و در چارچوب سیاست خارجی نوین سعودی کاملاً قابل تبیین است. با این حال آینده نشان خواهد داد که آیا این توافق پایان «جنگ سرد ایران و سعودی» (Hiro, 2019) را رقم خواهد زد یا خیر. از دیدگاه نگارنده، این توافقنامه روابط را از حالتی خصمانه به «نه خصمانه نه دوستانه» ارتقاء داد و همان‌طور که به طول انجامیدن بازگشایی سفارت عربستان در ایران و مجادلات اخیر بر سر میدان گازی مشترک آرش با کویت و همراهی سعودی نشان داده، رفع اختلافات و از سرگیری روابط سازنده نیازمند تغییر برخی سیاست‌ها و انگاره‌ها در هر دو طرف است که با توجه به اختلافات عمیق ایدئولوژیک و رقابت شدید ژئوپلیتیک به سادگی میسر نمی‌شود. این موضوع نوشتاری دیگر را

۱ - سخنگوی چین استدلال کرد که با «شرکای جامع استراتژیک» خود همکاری دوستانه را در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه فروش تسلیحات حفظ خواهد کرد و چنین همکاری‌هایی هیچ گونه قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کند و شامل تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی نیز نمی‌شود (Malla, 2022: 34-35).

می‌طلبد اما آنچه در ارتباط با این مقاله مد نظر است این هست که این توافقنامه چه اهمیتی در سیاست چین در قبال ایران و عربستان دارد.

به نظر می‌رسد دیپلماسی میانجیگری به‌عنوان مکملی برای دیپلماسی مشارکتی چین عمل می‌نماید. گرچه از دیدگاه برخی از پژوهشگران، دیپلماسی میانجیگری چین نشانه تغییر آشکار در سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورها است (Jash, 2023)، اما از نقطه نظر نگارنده، محدود بودن اعمال آن حاکی از آن است که چین صرفاً در برهه‌های زمانی که منافع استراتژیکش ایجاب می‌کند از این دیپلماسی به شکل جدی بهره می‌گیرد. گرچه چین در مواردی از جمله بحران سوریه، یمن، مذاکرات برجام، روند صلح خاورمیانه و افغانستان و مواردی دیگر تلاش‌های میانجیگریانه‌ای داشته، اما این اقدامات صرفاً موضع بی‌طرفی و عدم تعهد به آشوب‌های منطقه‌ای را برجسته ساخته است. در واقع میانجیگری چین اغلب به شکل رویکردی محتاطانه برای حل مناقشه است که درگیر آن به صورت محدود می‌شود اما نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند. بیجینگ مشارکت به جای تفوق و سلطه، دنبال کردن به جای رهبری، ارائه ایده‌های سازنده به جای تعیین دستور کار و کاهش تنش به جای راه‌حل همه جانبه در جنگ‌های پیچیده را ترجیح می‌دهد. مشارکت چین در این تلاش‌های میانجیگریانه گزینشی است و تا حد زیادی به منافع و توانایی‌های آن بستگی دارد (Lons et al, 2019: 20).

سیاست موازنه‌سازی و مصون‌سازی استراتژیک چین در منطقه سبب شده چین برای حفظ و گسترش روابط هم‌زمان با دو رقیب منطقه‌ای اقدام به میانجیگری فعالانه‌تری نماید. استراتژی موازنه‌سازی چین در اغلب اقداماتش در روابط با ایران و عربستان آشکار است. اینکه شی از امضای مشارکت راهبردی جامع با عربستان سعودی و ایران در طول یک سفر مطمئن شد، تصادفی نیست، این در حالی بود که چند هفته قبل از سفر شی، روابط دیپلماتیک ایران و عربستان به واسطه اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه، توسط عربستان و متعاقب آن یورش به سفارت عربستان در تهران قطع شده بود (Houghton, 2022: 136) و هدف شی از آن نشان دادن بی‌طرفی و عدم جانبداری چین از یک طرف و ابراز تمایل به حفظ روابط متوازن با دو رقیب منطقه‌ای است. نمونه‌های دیگری چون تمرینات نظامی^۱، سفر دیپلمات‌های

۱ - چین رزمایش مشترک با نیروی دریایی عربستان در نوامبر ۲۰۱۹ را با مانورهای سه جانبه با ایران و روسیه در یک ماه بعد متوازن نمود (Fulton, 2023: 20; Houghton, 2022: 136).

چینی^۱ و ارائه فناوری موشکی و هسته‌ای به ایران و عربستان (Dorraj, 2020: 134)، را می‌توان به‌عنوان رفتار موازنه‌ساز چین نسبت به هر دو مطرح نمود.

رفتار موازنه‌ساز چین در راستای راهبرد مصون‌سازی چین در منطقه خاورمیانه و در روابط میان دو رقیب منطقه‌ای می‌باشد. همان‌طور که مطرح شد چین اساساً به دنبال منافع ژئواکونومیک تجارت، سرمایه‌گذاری و انرژی است. استراتژی مصون‌سازی در روابط با ایران و عربستان به چین اجازه داده تا منافع عمیق اقتصادی و استراتژیک خود را تامین نماید. از این رو در راستای این استراتژی، بیجینگ به دنبال اطمینان از حفظ هم‌زمان روابط سیاسی محکم با ریاض و تهران است. سه معیار تی‌آنشی بین در خصوص اتخاذ استراتژی‌های سیاسی / اقتصادی / نظامی متوازن (Yin, 2022) در روابط با ایران و عربستان نشان‌دهنده «مصون‌سازی قوی به ضعیف» یعنی مصون‌سازی چین در قبال رقابت دو قدرت منطقه‌ای است، اما آنچه که در تحلیل بین مغفول ماند، میانجیگری فعالانه‌ای است که شرح آن گذشت. بنابراین می‌توان گفت در عین حال که چین در سیاست کلان خود قائل به عدم تعهد و بی‌طرفی در قبال آشوب‌های منطقه‌ای است، همان‌طور که وانگ یی در سال ۲۰۱۷ وعده داد^۲ و اکنون شاهد هستیم که جامه عمل پوشیده است، در صورت ایجاب منافع استراتژیک اقدام به میانجیگری فعال در میان شرکای جامع استراتژیک خود نیز می‌نماید؛ اما نباید تصور کرد که چین برای این منظور حاضر به هزینه کردن روابط خود با ایالات متحده آمریکا است.

حفظ روابط با ایالات متحده، از دهه ۱۹۸۰ یکی از اصول اساسی سیاست خارجی چین بوده است. برای نمونه، روابط چین و ایران در مواردی که اولویت‌بندی سیاسی ضروری باشد، همواره تابع روابط با ارزش‌تر چین و آمریکا بوده است. در این زمینه است که جان گارور^۳ رابطه چین و ایران را «رابطه درجه دوم» می‌نامد (Salman et al, 2015: 586). اصرار بیجینگ در نشان دادن حضور غیر هژمونیک خود در منطقه خلیج فارس با تاکید بر نامتقارن بودن نفوذ چین و آمریکا، سازگاری تعامل اقتصادی چین با تعامل امنیتی آمریکا و تاکید بر «سیاست دشمن صفر» (Sun, 2023: 36-37) خود گواهی بر اهمیت به

۱ - برای نمونه در مارس ۲۰۲۱ وانگ یی (Wang Yi)، وزیر امور خارجه چین، به فاصله چند روز از هر دو کشور دیدار نمود.

۲ - وانگ یی، در مارس ۲۰۱۷ تاکید کرد که چین هم با عربستان سعودی و هم با ایران، دوست است و اگر نیازی وجود داشته باشد، حاضر است نقش ضروری ایفا کند (Reuters, 2017).

چالش نکشیدن آمریکا در چارچوب رویکرد مصون‌سازی استراتژیک چین می‌باشد. از این رو با توجه به اهمیت منافع استراتژیک چین در پیشبرد طرح کمربند-جاده و اهمیت حفظ روابط با دو قدرت منطقه‌ای خلیج فارس، به‌عنوان منطقه‌ای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک دارای اهمیت راهبردی برای چین، به نظر می‌رسد چین حداقل تا اطمینان از حصول چشم‌انداز کمربند-جاده به تداوم در سیاست موازنه و مصون‌سازی استراتژیک خود پایبند باشد.

نتایج و یافته‌ها

در این نوشتار تلاش شد تا عوامل و محرک‌های تداوم استراتژی موازنه‌سازی و مصون‌سازی چین در قبال ایران و عربستان مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق نشان داد که دیپلماسی مشارکتی و موازنه‌سازی در راستای استراتژی مصون‌سازی چین عمل می‌کند. چین همواره به شرکای استراتژیک خود علاوه بر روابط همکاری‌جویانه، تعهد به مدیریت تنش‌های اجتناب‌ناپذیر، به طوری که همکاری در حوزه‌های کلیدی منافع مشترک را به خطر نیندازد، یادآوری می‌نماید. از نظرگاه چین روابط هم‌زمان و منسجم با ایران و عربستان در قالب همکاری جامع استراتژیک، سبب می‌شود به استراتژی مصون‌سازی خود در قبال آمریکا (مصون‌سازی ضعیف به قوی) از یک سو و مصون‌سازی در قبال تنش‌های منطقه‌ای ایران و سعودی (مصون‌سازی قوی به ضعیف) از سوی دیگر ادامه دهد و روابط مبتنی بر منافع خود را بدون اتخاذ موضعی پر هزینه گسترش دهد. چین به خوبی دریافته که به چالش کشیدن ایالات متحده از طریق ایجاد موازنه نرم یا سخت منجر به رقابت پر هزینه‌ای می‌شود که منافع استراتژیک چین را در مناطق حیاتی به خطر می‌اندازد. استدلال واقع‌گرایانه می‌گوید که یک دولت تا زمانی که منافع آن بیشتر از هزینه‌ها باشد، وضعیت موجود را می‌پذیرد. از این رو است که چین فعالانه در تلاش است تا از برهم زدن نظم شکننده خلیج فارس که همچنان منفعی را به همراه دارد، جلوگیری کند. میانجیگری چین در از سرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان به اذعان بیجینگ و واشینگتن در جهت افزایش ثبات منطقه‌ای و به نفع هر دو قدرت جهانی است. توافقنامه ۲۰۲۳ ایران-عربستان در عین حال که به تداوم رویکرد مصون‌سازی چین یاری می‌رساند، منافع آمریکا را نیز تامین می‌کند. همان‌طور که توافق ایران و آمریکا بر سر برجام یا حتی در سطحی پایین‌تر، چنانچه رخ دهد، نیز به نفع چین می‌باشد زیرا به ثبات کلی در منطقه از یک سو و رویکرد توازن‌بخش و مصون‌ساز آن از سوی دیگر کمک می‌کند. رویکردی که چین با توجه به چشم‌انداز توسعه خود، مشتاق حفظ و تداوم آن است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- شاهنده، بهزاد و جواد طاهایی (۱۳۸۳)، چین نو: دنگ شیائوپینگ و اصلاحات، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

منابع غیر فارسی

- 1- Al Jazeera, (2023). "Russia overtakes Saudi Arabia as China's Top Oil Supplier," Al Jazeera, March 20, Available at: <https://www.aljazeera.com/economy/2023/3/20/russia-overtakes-saudi-arabia-as-chinas-top-oil-supplier>.
- 2- Chaziza, Mordechai. (2015). "Strategic Hedging Partnership: A New Framework for Analyzing Sino-Saudi Relations". Israel Journal of Foreign Affairs, 9(3): 441-452.
- 3- China Briefing. (2022). "Saudi Arabia – China Ties: Several Investment Agreements, MoUs Signed During President Xi's Visit". China Briefing, December 9, Available at: <https://www.china-briefing.com/news/saudi-arabia-china-relations-xi-jinping-visit/>
- 4- Dorraj, Manochehr (2020). "The Belt and Road Initiative and China's Relations with Iran and Saudi Arabia: A Delicate Balancing Act". In Critical Reflections on China's Belt & Road Initiative. Alan Chong, Quang Minh Phạm. (eds). Palgrave Macmillan, Singapore.
- 5- Duan, Xiaolin., & Aldamer, Shafi. (2022). "The Saudi Arabia-China relationship at a crossroad: A neoclassical realist analysis". Asian Politics and Policy, 14(1), 114-128.
- 6- Energy Information Administration (EIA) of the US (2022). "Country Analysis Executive Summary: China". Last Updated: August 8. Available at: <https://www.eia.gov/international/analysis/country/CHN>
- 7- Eslami, Mohammad & Maria Papageorgiou. (2023). "China's Increasing Role in the Middle East: Implications for Regional and International Dynamics". SFS Georgetown Journal of International Affairs. June 2. Available at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/chinas-increasing-role-in-the-middle-east-implications-for-regional-and-international-dynamics/>
- 8- Fulton, Jonathan. (2018). "Striking a balance between economics and security; China's relations with the Gulf monarchies". In External Powers and the Gulf Monarchies. Jonathan Fulton & Li-Chen Sim(eds). Routledge, London: 140- 158.
- 9- Fulton, Jonathan. (2019). "China's Changing Role in the Middle East", Report for Atlantic Council Policy: 1-28. Available at https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf
- 10- Fulton, Jonathan. (2020). "China in the Persian Gulf, Hedging Under the US Umbrella". In Routledge Handbook of Persian Gulf Politics, Mehran Kamrava (eds)., London & New York: Routledge: 492-505.
- 11- Fulton, Jonathan. (2021). "China between Iran and the Gulf Monarchies". Middle East Policy; 28: 203-216. Available at: <https://doi.org/10.1111/mepo.12589>
- 12- Fulton, Jonathan. (2023). "Asian Powers and a Transitioning Gulf Order".in Asian Perceptions of Gulf Security, Li-Chen Sim and Jonathan Fulton (ed.). London & New York: Routledge: 8-29.
- 13- Garlick, Jeremy and Radka Havlová. (2020). "China's "Belt and Road" Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi- Iranian Regional Rivalry". Journal of Current Chinese Affairs, 49(1) : 1-24.
- 14- Global Governance

- 15- Goh, Evelyn. (2005). "Meeting the China Challenge: The U.S. in Southeast Asian Regional Security Strategies". Policy Studies Monograph 16, East-West Center, Washington, DC.
- 16- Hiro, Dilip. (2018). Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the struggle for supremacy. Oxford University Press, the United Kingdom.
- 17- Houghton, Benjamin. (2022). "China's Balancing Strategy Between Saudi Arabia and Iran: The View from Riyadh", Asian Affairs, 53(1): 124-144, DOI: 10.1080/03068374.2022.2029065
- 18- Jash, Amrita. (2023). "Saudi-Iran Deal: A Test Case of China's Role as an International Mediator". Georgetown Journal of International Affairs, June 23, Available at: <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/23/saudi-iran-deal-a-test-case-of-chinas-role-as-an-international-mediator/>
- 19- Korolev, Alexander. (2016). "Systemic balancing and regional hedging: China–Russia relations". The Chinese Journal of International Politics, 9(4): 375–397.
- 20- Liangxiang, Jin. (2017). "China's Role in the Middle East: Current Debates and Future Trends." China Quarterly of International Strategic Studies, 3(1): 39-55.
- 21- Lons, Camille, et al. (2019) "China's great game in the Middle East". Policy Brief. European Council on Foreign Relations(ecfr.eu). Available at: https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/
- 22- MacGillivray, Iain. (2019). "Maturing Sino-Saudi strategic relations and changing dynamics in the Gulf. Global Change, Peace& Security, 31 (1): 1-20.
- 23- Malla, Mohmad Waseem. (2022). "China's Approach to the Iran-Saudi Arabia Rivalry". Middle East Policy; 29 :25–40.
- 24- Medeiros, Evan, S, (2005/2006), "Strategic Hedging and the Future of Asia-Pacific Stability", The Washington Quarterly, 29 (1): 145–167.
- 25- Qanas, Jalal. (2023). "China and the Gulf States: Economic Relationship, Challenges and Future". In GCC Hydrocarbon Economies and COVID; Old Trends, New Realities. Nikolay Kozhanov, Karen Young, Jalal Qanas (eds.): 283-310.
- 26- Reuters. (2017). "Ahead of King's Visit, China Says Hopes Saudi, Iran Can Resolve Problems." Reuters, March 8, Available at: <http://uk.reuters.com/article/china-parliament-mideast/ahead-of-kingsvisit-china-says-hopes-saudi-iran-can-resolve-problems-idUKL3N1GL2E5>
- 27- Ruonan, Liu & Liu, Feng. (2017). "Contending Ideas on China's Non-Alliance Strategy." The Chinese Journal of International Politics 10(2): 151-171.
- 28- Salman, Mohammad & Pieper, Moritz and Gustaaf Geeraerts (2015). "Hedging in the Middle East and China-U.S. Competition". Asian Politics & Policy, 7(4): 575–596.
- 29- Salman, Mohammad& Gustaaf Geeraerts. (2015a). "Strategic Hedging and Unipolarity's Demise the Case of China's Strategic Hedging". Power: Back to the Future? April 29, Catholic University of Louvain (UCL), Louvain-la-Neuve, Belgium.
- 30- Salman, Mohammad& Gustaaf Geeraerts. (2015b). Strategic Hedging and China's Economic Policy in the Middle East. China Report, 51(2): 102–120.
- 31- Samaan, Jean-Loup. (2018). "Strategic Hedging in the Arabian Peninsula: The Politics of the Gulf–Asian Rapprochement", Whitehall Papers series,92, USA/Canada: Taylor & Francis Inc., Journals Depart.
- 32- Sun, Degang. (2023). "China's 'Zero-Enemy Policy' in the Gulf: Dynamics and Tactics," in Asian Perceptions of Gulf Security, Li-Chen Sim & Jonathan Fulton(eds.), Abingdon: Routledge:30-49.
- 33- Tessman, Brock and Wolfe Wojtek. (2011). "Great powers and strategic hedging: the case of Chinese energy security strategy". International Studies Review, 13(2): 214–240.

- 34- Tessman, Brock. (2012). "System structure and state strategy: adding hedging to the menu". *Security Studies*, 21(2): 192–231.
- 35- The State Council of PRC. (2016). "Full Text of China's Arab Policy Paper," Xinhua, January 13. Available at: https://english.www.gov.cn/archive/publications/2016/01/13/content_281475271412746.htm
- 36- Yin, Tianqi. (2022). "Strong Power to Weak Power Strategic Hedging in Regional Conflicts and China's Involvement in the Saudi Arabia-Iran Rivalry". *International Journal of Asian Social Science*, 12(8): 292-307.
- 37- Zweiri, Mahjoob & Al Qawasmi, Farah., and Thomas. B. James. (2023). "Energy Security and Diplomacy: A Double-Edged Sword. The Case Study of Saudi Arabia and Iran". In: *GCC Hydrocarbon Economies and COVID*. Kozhanov, N., Young, K., Qanas, J. (eds). Palgrave Macmillan, Singapore. Available at: https://doi.org/10.1007/978-981-19-5462-7_10.

منابع اینترنتی

- ۱- معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ایران (۱۴۰۱)، «تجارت خارجی چین در سال ۲۰۲۲»، گزارش خبری معاونت دیپلماسی اقتصادی، ۲۶ اسفندماه، قابل دسترسی در:

<https://economic.mfa.ir/portal/NewsView/712661>